

سالنامه : ۱۳۷۱-۱۳۷۲ یوشیج و لیمیا : سالنامه  
یوشیج و لیمیا : یوشیج و لیمیا : سالنامه

# یادداشت‌های روزانه

نیما یوشیج

به کوشش

شراکیم یوشیج

بازیابی و بازنویسی

از روی دست‌نوشته‌ی نیما



تفاسی و اسناد و آثار تاریخی و فرهنگی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

۱۰۵۹۱

ISBN 978-964-8388-93-3 ۱۳۷۱-۱۳۷۲

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

۱۰۵۹۱

.....	۷۶۱
.....	۷۶۲
.....	۷۶۳
.....	۷۶۴
.....	۷۶۵
.....	۷۶۶
.....	۷۶۷
.....	۷۶۸
.....	۷۶۹
.....	۷۷۰
.....	۷۷۱
.....	۷۷۲
.....	۷۷۳
.....	۷۷۴
.....	۷۷۵
.....	۷۷۶
.....	۷۷۷
.....	۷۷۸
.....	۷۷۹
.....	۷۸۰
.....	۷۸۱
.....	۷۸۲
.....	۷۸۳
.....	۷۸۴
.....	۷۸۵
.....	۷۸۶
.....	۷۸۷
.....	۷۸۸
.....	۷۸۹
.....	۷۹۰
.....	۷۹۱
.....	۷۹۲
.....	۷۹۳
.....	۷۹۴
.....	۷۹۵
.....	۷۹۶
.....	۷۹۷
.....	۷۹۸
.....	۷۹۹
.....	۸۰۰

**فهرست**

.....	۷
.....	۱۰
.....	۱۳
.....	۱۵
.....	۱۸
.....	۲۱
.....	۲۲
.....	۲۳
.....	۲۳
.....	۲۴
.....	۳۱
.....	۳۱
.....	۷۰
.....	۸۴
.....	۸۷
.....	۹۵
.....	۹۸

۱۳۳۷ سال نو مبارک باشد ..... ۱۲۰

شعرا پیغمبران بی ادعا و دعوی هستند ..... ۱۶۰

۱۳۳۵ ..... ۲۳۷

شب است ..... ۲۶۸

یادداشت ..... ۲۶۹

یادداشت‌های خط خطی ..... ۲۹۳

فکر نوشته‌های شراگیم یوشیج ..... ۲۹۳

شب سرد زمستانی ..... ۲۹۵

عشق و عروسی ..... ۳۱۱

آخرین سفر به یوش ..... ۳۲۳

یادداشت خط خطی ..... ۳۲۹

نمایه ..... ۳۵۱

۲۶ ..... ۳۳۱

۱۶ ..... ۳۳۲

۱۶ ..... ۳۳۳

۰۷ ..... ۳۳۴

۲۸ ..... ۳۳۵

۷۸ ..... ۳۳۶

۵۱ ..... ۳۳۷

۸۶ ..... ۳۳۸

### یادداشت‌های روزانه نیما یوشیج

در میان دست‌نوشته‌های نیما، چه بسیار می‌بینی، در حاشیه یک شعر یا روی تکه کاغذ پاره‌ای نیما با خط درشت نوشته یادداشت به نظر می‌رسد در آن هنگامی که مشغول سرودن و ساختن شعری بوده ناگهان موضوعی به ذهنش رسیده که همانجا یادداشت کرده بعضی با تاریخ و بعضی اصلاً تاریخ و زمان ندارد وقتی که می‌خوانی می‌بینی هیچ ربطی هم با هم ندارند. نیما نوشته (سال‌ها یادداشت‌های خود را پاره کرده و حالا شروع می‌کنم، بعضی‌ها در اوراق پاره مانده است باید ضمیمه کنم، از حماقت) نیما آنچه را که سال‌ها یادداشت کرده پاره کرده و از بین برده است، اما به یک پاره بخاطر می‌آورد که چه راه پررنج و مشقتی را پشت سر گذاشته در حالی که هیچ نشانی از آن ایام سپری شده‌ی سخت ندارد، لذا از سال ۱۳۳۵ تصمیم می‌گیرد تا دوباره بنویسد و یادداشت‌هایی که در اوراق پراکنده نوشته در یک دفتر جمع آورد. تاریخ یادداشت‌ها مختلف است، گاهی نیما یادداشتی را در میان نوشته‌هایش یافته که مربوط به سال‌های قبل است. اما در همان دفتر به ترتیب جا داده است بنابراین یادداشت‌ها به ترتیب تاریخ نیستند و من نیز به همان ترتیب بازنویسی کردم. بجز دست‌نوشته‌هایی که به سرعت رفته و متأسفانه نزد من نیست و تاریخ هرگز چنین خیانتی را به میراث ادبی این سرزمین فراموش نخواهد کرد.